

## پیش‌خوان

در بازساخت یک رابطه ناشناخته

## حضور آشکار و پنهان اسرائیل در ایران

■ **محمدرضا کاتبی**



حضور آشکار و پنهان اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی دوم از راز الودترین موضوعات و نیز مدخلی مهم به تاریخچه حکمرانی اوست. آنچه از اسناد تاریخی برمی آید

آن است که این ارتباط، با پنهانکاری و پرهیز از حساسیت‌زایی ایجاد شد، اما در عین حال در تحکیم پایه‌های سلطنت پهلوی دوم و به ویژه بازسازی سیستم امنیتی او، نقشی بس مهم و گسترده داشت. اثر «مریکای دوم» در سراسر خود، سعی دارد تا ابعاد گوناگون این ارتباط فاروقی را با استناد به شواهد موجود، مورد بازخوانی و تحلیل قرار دهد. این پژوهش توسط رضا راز فاروقی عضو هیئت علمی دانشگاه و مدیرمسئول مؤسسه مردودشت‌شناسی انجام شده و پژوهشکده تاریخ معاصر ایران به انتشار آن دست زده است. مؤلف در دیباچه خویش بر این تحقیق، در باب موضوع آن چنین آورده است:

«کتاب ارتباط ناشناخته که به بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل می‌پردازد، در سال ۱۳۸۲ به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در ۴۵۰ صفحه انتشار یافت و در برخی همایش‌ها، مقام اول تا سوم را کسب کرد. این کتاب قبل از چاپ در باورقی روزنامه کیهان و بعد از چاپ در باورقی روزنامه جمهوری اسلامی به طور کامل منتشر شد و قرار است به زودی، چاپ جدید آن انتشار یابد. اما از آنجا که حجم کتاب نسبتاً زیاد است، مسئولان مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به نگارنده پیشنهاد کردند تا کتاب را برای جوانان و به ویژه دانشجویان عزیز خلاصه کند. کتاب پیش‌رو تحت عنوان امریکای کوچک، افزون بر خلاصه کتاب ارتباط ناشناخته، دو فصل جدید دارد که آن را از کتاب پیشین متمایز می‌کند. یکی فصل اول، تحت عنوان: چگونگی پیدایش صهیونیسم و



◀ **دیدار پهلوی دوم با فرستاده دولت اسرائیل به ایران**

اشغال سرزمین فلسطین که به سه مقطع زمانی و تلاش صهیونیست‌ها با حمایت قدرت‌ها برای دستیابی به عناصر اصلی تشکیل دهنده یک کشور، یعنی سرزمین، جمعیت و دولت می‌پردازد و دیگری فصل پایانی که تحت عنوان: امریکارو شیطان کوچک، به موضوعاتی از جمله: دلایل نگاه شاه به اسرائیل به عنوان امریکای کوچک و نگاه پس از انقلاب اسلامی به پدیده اسرائیل به عنوان شیطان کوچک، دلایل علاقه‌مندی اسرائیل به ارتباط با ایران، پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین است‌گم‌ارتزیک در حمایت از فلسطین و…، محورهای آسیب‌پذیری اسرائیل و در انتها به پیش‌بینی حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری درباره آینده اسرائیل مبنی بر اینکه اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، اشاراتی خواهد داشت.

روایت‌سنسی سه ساله ایران و اسرائیل، به اندازهای ناشناخته است که می‌توان آن را از اسرار آمیزترین و ناشناخته‌ترین روابطی دانست که با هیچ‌یک از کشورهای دیگر خاورمیانه قابل مقایسه نیست. یعقوب نیمرودی به عنوان یکی از فعال‌ترین نمایندگان اسرائیل در تهران که به مدت ۱۳ سال در ایران بوده است و این دوران را شادترین دوران زندگی‌اش می‌داند، در این باره اظهار می‌کند: اگر روزی به تو اجازه دهند از کارهایی که ما در تهران انجام داده‌ایم، آگاه شوی، از آنچه می‌شوی وحشت‌خواهی کرد و حتی نمی‌توانی آن را تصور کنی… بنابراین با توجه به مواز اسلامی در برابر اسرائیل و جایگاه ویژه فلسطین نزد مسلمانان و بحران آفرینی رژیم صهیونیستی و لزوم دشمن‌شناسی، ضرورت شناخت و فهم دقیق و عمیق تر شیطان کوچک از زوایای مختلف به منظور تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های راهبردی و رفتار مناسب در برابر آن در حال حاضر و آینده، امری بدیهی و آشکار است. در پایان بر خود فرض می‌دانم، از زحمات مسئولان محترم مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و متصدیان مؤسسه فرهنگی – هنری مطالعات مردودشت‌شناسی که نقش ویژه‌ای در به انجام رساندن پژوهش حاضر داشتند قدر دانی و تشکر کنم…»

■ **ناصر جمالزاده /حجت‌الله نوری ساری**

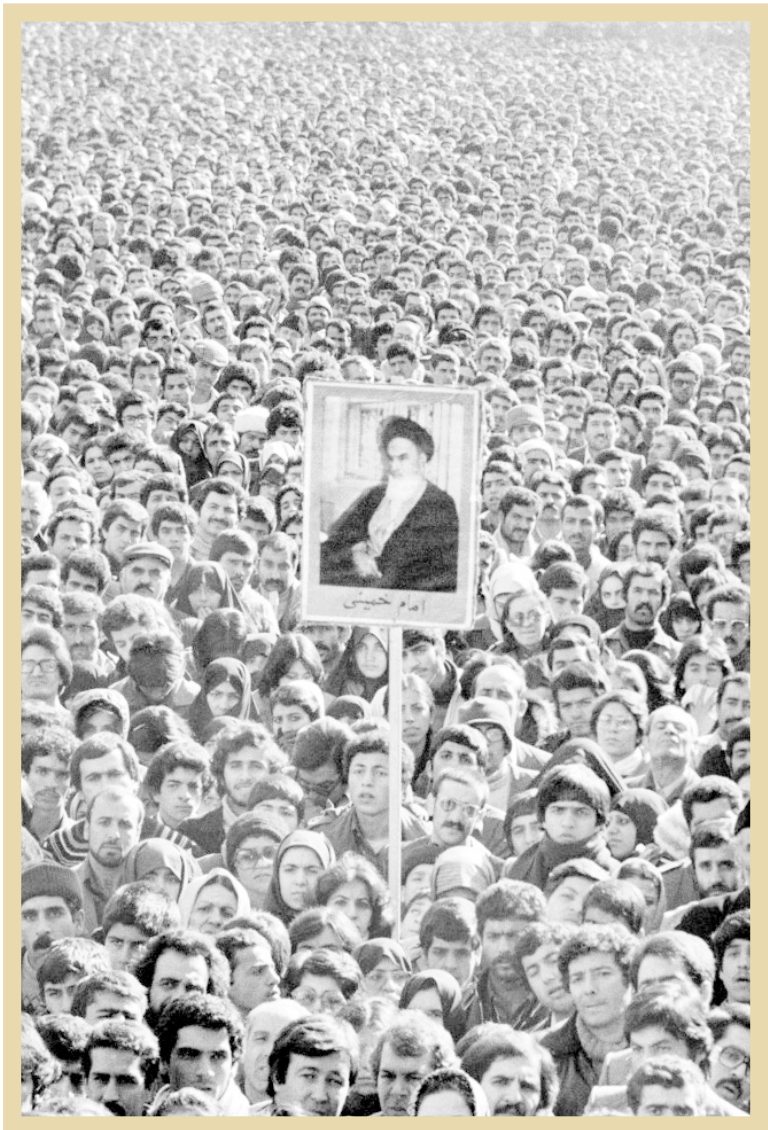
پژوهش بی آمده، در بی پاسخ به این پرسش اساسی است که رادیو بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی ایران این چگونه عمل کرده است؟ به عبارت دیگر، کدام یک از روایت‌های مطرح، به شکل بهتری رفتار و عملکرد رادیو بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی را تبیین می‌نماید؟ برای پاسخ به این پرسش، سه روایت مطرح کلان در این باره را بر مبنای نظر به برجسته‌سازی تبیین و تحلیل می‌کنیم. امید آنکه مفید آید.

■ ■ ■

■ **روایت اول، از زبان رادیو بی‌بی‌سی**

نخستین روایت، ادعایی است که کارکنان وقت مسئولان فعلی بی‌بی‌سی فارسی مطرح می‌کنند. معصومه طرغه همکار بی‌بی‌سی، در توضیح این موضوع می‌نویسد: «سرویس جهانی بی‌بی‌سی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، در فضای داخلی ایران به شهرت بی‌سابقه‌ای دست یافت…» وی با استناد به سخنان لطفعلی خنجی، تهیه‌کننده سابق سرویس رادیو بی‌بی‌سی منتهی می‌شود، رادیو بی‌بی‌سی فارسی حجم زیادی از گزارش‌های خود را از مخالفین سلطنت جمع‌آوری می‌نمود. این مخالفین از طریق اخبار، را ما در تماس بودند…» وی اضافه می‌کند: «این ارتباط دوسویه، تنها منحصr به انقلابیون مسلمان نبود، بلکه شامل جبهه ملی، فعالین چپ‌گرا و گروه‌های متعدد دیگر نیز می‌شد. آنان به طور روزانه، با ما تماس می‌گرفتند و جزئیات تظاهرات، تجمعات و اظهارات سیاسی خود را به ما منتقل می‌کردند. در نتیجه، ما حجم زیادی گزارش در اختیار داشتیم…»

لطفعلی خنجی، به عنوان یکی از تهیه‌کنندگان رادیو بی‌بی‌سی در دوران انقلاب، مدعی است نحوه انعکاس اخبار از سوی رسانه‌های خارجی، به میزان اهمیتی مربوط می‌شود که رویدادهای داخلی ایران داشت. به گفته این روزنامه‌نگار ایرانی-انگلیسی، در شرایطی که اوضاع ایران بحرانی‌تر شد و آشکار بود که تحولی تاریخی



نظری بر عملکرد رادیو بی‌بی‌سی در فرآیند انقلاب اسلامی

# گزارشی جهت‌دار و از سر اجبار

# از خیزش ملت ایران

در شرف وقوع است، طبیعتاً نحوه انعکاس این رویدادها و تحولات گسترده‌تر بود. در واقع این کارمند رادیو بی‌بی‌سی فارسی، مدعی است که این بنگاه خبر پراکنی، بی‌توجه به جهت‌گیری رسانه‌ای، تنها براساس اهمیت خبری، اقدام به تهیه رپرتاژ و انتشار اخبار می‌نموده است. جمع‌بندی نهایی لطفعلی خنجی از عملکرد بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی، این است که این رادیو بر اساس اصل بی‌طرفی، اقدام به انتشار اخبار می‌کرد که خروجی آن به نفع جریان انقلاب تمام شده است، وی در توضیح نگرش خود می‌گوید: «پوشش خبری بی‌بی‌سی، در نهایت به نفع انقلاب تمام شد، چون بی‌بی‌سی ماجرا را آنگونه که اتفاق افتاد، گزارش می‌داد و این خودبه‌خود به نفع طرف برنده تمام می‌شد، اما به این معنی نیست که بی‌بی‌سی بی‌طرفی را حفظ نکرده بود…»

با وجود این، آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلیس در ایران در دوران پهلوی، در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «در هر حال، این موضوع واقعیت داشت که اخبار و گزارش‌های بی‌بی‌سی، در برانگیختن تظاهرات و اغتشاشات یا دامن‌زدن به این آتش بی‌تأثیر نیست. سیاستی که ما تا آن زمان در پیش گرفته بودیم در حکم شمشیر دولبه‌ای بود که هر چند یک طرف آن باسوءتفاهماتی نظیر آنچه در مورد بی‌بی‌سی وجود داشت، مشکلاتی به وجود می‌آورد، اما طرف دیگرش که مبتنی بر حفظ روابط نزدیک در سطح دیپلماتیک بود، نتیجه مطلوبی داشت…»

با توجه به آنچه کارکنان و تولیدکنندگان بی‌بی‌سی به آن اشاره کردند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سرویس بی‌بی‌سی فارسی تلاش می‌کند ضمن تبیین عملکرد خود در جریان انقلاب اسلامی، چند نکته اساسی خاص را برجسته نماید.

**اول:** بی‌بی‌سی همواره رسانه‌ای مستقل و بی‌طرف بوده و این استقلال عمل و بی‌طرفی را حفظ کرده است.

**دوم:** بی‌بی‌سی در پوشش اخبار، تنها الگوهای حرفه‌ای را مدنظر داشته است.

**سوم:** این بنگاه خبر پراکنی، رویدادها و تحولات

# خاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷

شده‌اند. می‌دانم که کارشناسان ارشد تبلیغات به کار گرفته شده‌اند، تا این اتفاق‌ها بیفتند. من فکر نمی‌کنم او به تنهایی برنامه‌ریزی کرده باشد، برنامه‌ریزی‌ها در جای دیگری انجام شده است…» پهلوی دوم در تحلیل این ذهنیت خود، به افزایش بهای نفت ایران اشاره دارد و می‌نویسد: «این مبارزه پس از سال ۱۳۵۲ و کوشش من برای فروش نفت به قیمتی عادلانه، روز به روز شدت یافت. لحن مطبوعات غربی به تدریج تغییر یافت و مرا مسئول افزایش قیمت نفت و گناهکار اصلی می‌دانستند…» وی، با طرح این سؤال که چگونه رهبر انقلاب اسلامی، می‌تواند از نوبل‌لوشاتو به هدایت جریان قیام علیه سلطنت اقدام کند؟ رسانه‌های غربی را به عنوان حلقه واسط رهبری و بدنه مردمی انقلاب تصور می‌کند!

پهلوی دوم، در کتاب خود تحت عنوان پاسخ به تاریخ، به شکل ویژه سه ضدیت رادیو بی‌بی‌سی اشاره دارد و می‌نویسد: «رویه بنگاه سخن‌پراکنی انگلستان(بی‌بی‌سی) نیز شگفت‌آور بود. از آغاز سال ۱۹۷۸، برنامه‌های فارسی این بنگاه، صریحاً و علناً در مخالفت و ضدیت با من تنظیم می‌شد. گویی یک دست‌نما رُئی، همه این برنامه‌ها را تنظیم و رهبری می‌کند. من فکر می‌کنم که بعضی از جراید غربی، با ذکر ارقام دروغین درباره کشنگان حوادث مختلف و تخریب حقایق، فقط قصد داشتند میزان فروش خود را بالا ببرند…» اشرف پهلوی نیز با ذهنیتی نزدیک به بردارش، رفتار رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی در جریان تحولات سال ۱۳۵۷ را چنین تحلیل نمود: «شاه وقتي انگشت بر این نکته گذاشت که ایران نفت را به قیمت ارزان می‌فروشد و کالاهای غربی را گران‌تر می‌خرد، بی‌تردید دشمنی بسیاری از غربی‌ها را علیه خود برانگیخت. او برای پر کردن این شکاف، در سال ۱۹۷۲ قیمت نفت را از قرار هر بشکه تقریباً ۱۲ دلار، به ۱۲ دلار افزایش داد…»

■ **روایت سوم، از زبان انقلابیون**

در خلع‌سوم این روایت‌های سه‌گانه، انقلابیون و رهبران نهضت اسلامی‌اند که بدون باهادران به دو روایت‌قبل پیروزی انقلاب اسلامی رانه نتیجه‌فعالیت رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی، بلکه حاصل عمل به دین اسلام و حجت کلمه می‌دانستند، چنانکه حضرت امام خمینی(ره) در این باره آورده‌اند: «آنی که برای ماهمه چیز را آورد، این دو مطلب بود: اسلام، وحدت کلمه». ایشان در ۱۲ خرداد ۱۳۶۰، در جمع کارکنان روزنامه کیهان، نحوه عملکرد رادیوهای خارجی از قبیل رادیو بی‌بی‌سی را تبیین کرده و از چگونگی تحریف حقایق در آنها پرده بر می‌دارند: «در رادیو لندن و در رادیو امریکا و در رادیوی کجا، یک کلمه را برداشته و تصحیفش(تحریفش) کرده است، یا همان را یک جور بزرگی نمایش داده است [تا همه دنیا ببینند] که در ایران مثلاً چنین قضایایی هست، در ایران چنین مفاسدی در کار هست، در ایران الان تمام کارها به هم ریخته است، تمام چیزها چطور است!، اینها برای این است که این اشخاصی که می‌خواهند فساد ی بکنند، خوب، از این راه‌ها می‌کنند…» بین‌نگار جمهوری اسلامی ایران در موضعی دیگر، ضمن تأکید دوباره بر روع پراکنی رادیو بی‌بی‌سی از شکردهای جدید این رادیو انگلیسی، چنین سخن می‌گویند: «تبلیغات خارجی و خصوصاً تبلیغات رادیوهای منحرف، مثل بی‌بی‌سی و رادیو امریکا و رادیوهای دیگری که می‌تواند بی‌سود، آینه‌ها به عالم جلوه داده بودند که ایران به واسطه اینکه یک نظم و یک ترتیب خاصی ندارد، آشفته است…»

استفاده از اینگونه تعبیر برای رادیو بی‌بی‌سی، از سوی حضرت امام خمینی از این واقعیت حکایت می‌دارد که به عقیده ایشان رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی، با انقلابیون اسلامی مردم ایران ضدیت دارد و برای ضربه‌زدن به آن از هیچ‌گونه اقدامی کوتاهی نمی‌کند. علاوه بر این، رسانه‌های دولتی نیز از روی تمسخر و بی‌طرفانه رویدادهای انقلاب اسلامی عمل نکرد، بلکه همواره ملاحظاتی سیاسی دولت انگلیس را در جهت راهبردی در نظر داشت و تنها در ماه‌های پایانی، آن هم به منظور تضعیف جریان مذهبی و تقویت نیروهای لیبرال به

■ **روایت دوم، از زبان وابستگان به رژیم پهلوی**
روایت دوم، مختص به عناصر وابسته به رژیم پهلوی و به ویژه، شخص پهلوی دوم است. این گروه بر این باورند که جریان پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و سقوط سلطنت پهلوی دوم، با حمایت خارجی و برخی رسانه‌های غربی به وقوع پیوسته‌اند و این پشتیبانی و مدد، رسانه‌ای امام خمینی(ره) نمی‌توانست بر رژیم پهلوی غلبه کند! حامیان این نگرش برای بی‌بی‌سی فارسی، سهم مهمی قائلند و آن را بازوی رسانه‌ای انقلابی می‌دانند؛ چنانکه محمدرضا پهلوی، در یکی از مصاحبه‌های خود گفت: «آیا فکر می‌کنید آقای خمینی، می‌تواند همه اینها را طراحی کند؟ مغز متفکر همه چیزها باشد و همه چیز را سازماندهی کند؟ من می‌دانم که یک نفر به تنهایی، نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. پول‌های زیادی هزینه شده؛ بر این اساس می‌توان چنین گفت که روایت انقلابیون و جریان مذهبی فعال در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، عملکرد رادیو بی‌بی‌سی فارسی را بر اساس نکات زیر برجسته می‌نماید:
**اول:** حرکت مردمی ایران حرکتی داخلی و بی‌هیچ وابستگی خارجی مبتنی بر اسلام‌خواهی آغاز شد.
**دوم:** مردم با اتکا به دو عنصر اسلام و وحدت کلمه، به رهبری حضرت امام خمینی، رژیم پهلوی را ساقط کردند.

**سوم:** رادیو بی‌بی‌سی نه تنها عملکرد مثبتی در پیروزی انقلاب مردمی سال ۱۳۵۷ نداشت، بلکه با توجه به سوءسابقه‌ای که در ایران داشت، به عنوان عنصری مخرب و ناسازگار با گفتمان انقلاب اسلامی عمل می‌کرد.

**چهارم:** انتشار اخبار انقلاب اسلامی از سوی بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی فارسی، از سراسرناچار و اجبار بود، زیرا عدم توجه به سیل خروشان نهضت سال ۱۳۵۷،

# ۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۳۸۶

موجب بی‌اعتباری این رسانه انگلیسی می‌شد. پنجم: رسانه امور خارجه انگلیس در ایران، روند انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن را ضمن بزرگنمایی جریان‌های غیراسلامی و تضعیف نیروهای مذهبی و روحانیت تحریف می‌نمود.

■ **جمع‌بندی و ارزیابی**

در این مقال سعی شد بر اساس نظر به برجسته‌سازی، سه کلان روایت مطرح درباره نقش رادیو بی‌بی‌سی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی تبیین گردد. با توجه به این سه رویکرد، در مورد جایگاه و نقش رادیو بی‌بی‌سی در جریان انقلاب اسلامی، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که این رادیو در ترسیم تصویری برجسته از خود، با ادعای بی‌طرفی، انجام رسالت حرفه‌ای و تأکید بر انتشار اخبار انقلاب، مدعی است که نتیجه اقدامات این رسانه انگلیسی به خودی خود موجب موفقیت نیروهای انقلابی شد. این در حالی است که بنگاه بی‌بی‌سی در انتشار اخبار انقلاب اسلامی، برخلاف اصول مطرح شده رفتار کرد، زیرا از یکسو به رغم اهمیت فوق‌العاده تحولات انقلاب اسلامی، بی‌بی‌سی تمام اخبار و تحولات انقلاب را بازتاب نمی‌داد، چنانکه مارک داد رئیس بخش شرقی بی‌بی‌سی، در گفت‌وگو با پرویز راجی، به آن اذعان داشته و در توجیه این خودسانسوری می‌نویسد: «بر اساس ضوابط تعیین شده برای خبر سرویس خارجی بی‌بی‌سی، از اواسط ماه مه به این طرف، بخش مطالب مربوط به فعالیت‌های آیت‌الله خمینی هیچ‌گاه از نفاخ اخبار و تفسیرهای مربوط به ایران تجاوز نکرده است. در طول این مدت، حدود ۴۶ مورد مطلب راجع به ایران، از برنامه فارسی بی‌بی‌سی بخش شده که ۲۳ مورد آن، صرفاً راجع به فعالیت‌های آیت‌الله‌مقیم ایران بوده است…»

از سوی دیگر، در آغاز انقلاب اسلامی در ایران، بی‌بی‌سی ابتدا برای کم‌رنگ جلوه دادن این نهضت تلاش می‌کرد، ولی به مرور و با اوجگیری انقلاب، این رسانه نیز ناگزیر به انعکاس رویدادها و خواسته‌های انقلابیون شد. تیم له‌ولین خبرنگار سرویس جهانی بی‌بی‌سی در ایران، در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی این ادعا را که بی‌بی‌سی عملکرد مهیجی در انقلاب داشته، رد و کرد و گفت: «من خود، به دلایل مواضع پیشرویی که داشتم، اغلب برای عدم انتقاد از حکومت پهلوی و به خطر نینداختن روابط دو جانبه، از سوی لندن تحت فشار بودم…» پرویز راجی نیز در این مورد می‌نویسد: «همه‌ای از سر چار کاران مدیرعامل سازمان بی‌بی‌سی دریافت کردم که در آن از من خواسته بود در آینده نزدیک با وی ملاقاتی داشته باشم تا راجع به سیاست و خط مشی بی‌بی‌سی در مورد بخش خبرها و برنامه‌هایم گفت‌وگو کنیم…»

در واقع اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهند رادیو بی‌بی‌سی رسالت حرفه‌ای خود را در منبخره مستقل و بی‌طرفانه رویدادهای انقلاب اسلامی عملی نکرد، بلکه همواره ملاحظاتی سیاسی دولت انگلیس را در جهت حفظ روابط راهبردی در نظر داشت و تنها در ماه‌های پایانی، آن هم به منظور تضعیف جریان مذهبی و تقویت نیروی لیبرال به جریان انقلاب پیوست. از سوی دیگر در روایت خاندان پهلوی، عملکرد دولت و رسانه‌های خارجی، بیش از حد برجسته شده و اخبار بی‌بی‌سی، یکی از عوامل سقوط پهلوی و پیروزی انقلاب در نظر گرفته شده است! این در حالی است که با ننگه به روابط پهلوی دوم و دولت‌های خارجی، به وضوح می‌توان حمایت دولت‌های خارجی، خصوصاً انگلیس را تا زمان برگزاری اجلاس گوادلوپ، از محمدرضا پهلوی مشاهده کرد. انتشار اسناد وزارت امور خارجه انگلیس، کاملاً نشان می‌دهد و سفیر بریتانیا در ایران، تا آخرین لحظه و حتی تا بهمن سال ۱۵۷، به جد گزارش‌هایی به وزارت امور خارجه بریتانیا می‌داد و تأکید داشت که انگلیس، باید با تمام قوا پشت شاه ایستد. از این رو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که روایت طرح شده از سوی خاندان پهلوی و افراد سلطنت‌طلب نیز نسبت به عملکرد بی‌بی‌سی در انقلاب اسلامی ایران، از واقعیت به دور است، زیرا اساساً بی‌بی‌سی هیچ‌گاه در مخالفت با رژیم پهلوی، تبلیغاتی یا هدف براندازی و سقوط پهلوی دوم منتشر نکرد.

■ **نتیجه‌گیری**

با توجه به تبیین جریان انقلابی و رهبران آن و همچنین تبیین‌گیری از «برهان خلف» می‌توان چنین نتیجه گرفت که نزدیک‌ترین روایت به واقعیت خارجی، در مورد عملکرد رادیو بی‌بی‌سی در انقلاب اسلامی، رویکرد سوم یا همان نگاه جریان اصیل انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی است. این روایت، با تأکید بر سابقه فعالیت‌های رادیو بی‌بی‌سی در ایران و ذکر شواحه‌های دیگری چون اسلام، وحدت کلمه و قیام برای خدا، اساساً نقشی برای بی‌بی‌سی در راهبری حرکت مردمی قائل نیست، بلکه از آن به عنوان رسانه استعمار یاد می‌کند. همچنین ذکر این نکته ضروری است که نگرش ذهنی و تاریخی ایرانیان به دولت انگلیس با توجه به تحولاتی چون به قدرت رسیدن رضاخان، جریان ملی‌شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که ماحصل برنامه غیرسازنده و مخرب سیاستمداران انگلیسی بود، ذهنیتی مثبت نبوده و نیست. به همین دلیل در جامعه ایران نسبت به بنگاه خبر پراکنی دولت انگلیس، یعنی بی‌بی‌سی، بدبینی عمومی و فراگیری وجود دارد که مانع شکل‌گیری حس اعتماد به این رسانه می‌شود. شعار نویسی مردم تهران روی دیوار سفارت انگلستان با عنوان «هرگ بر بی‌بی‌سی» از عمق نفرت ملت ایران حکایت داشت. بنابراین از دیدگاه مردم ایران، با توجه به روابط نزدیک و تنگناکت این رادیو با پهلوی دوم، بی‌طرفی و استقلال رادیو بی‌بی‌سی و ضدیت آن با سلطنت و شخص شاه، آنگونه که محمدرضا پهلوی ادعا می‌کرد، سخنانی گزاف و بی‌منطق است.

بزبان دوم، رئیس سرویس‌های خارجی بی‌بی‌سی درواقتباس ظاهری، گوینده اخبار فارسی رادیو در حال خواندن تلخیص‌هایی که به این بنگاه ارسال شده است.

